

نقش و جایگاه ضابطین دادگستری در بازجویی از افراد در نظام کیفری ایران و آمریکا

محمد رضا ناظمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵

چکیده:

استنطاق یا بازجویی بی‌شک یکی از مهم‌ترین مراحل تحقیقات مقدماتی است و ضابطین دادگستری به‌ویژه مأمورین پلیس در بدایت تشکیل پرونده قضایی نخستین سنگ بنای دادرسی کیفری را بازجویی مستحکم می‌نمایند، تدوین و اجرای قوانین در این حوزه می‌تواند مصونیت افراد را از خود اتهامی و عدم تضييع حقوق آنها در برهه‌ای که فشار روانی بالایی بر فرد تحمیل می‌گردد به همراه داشته باشد قانون‌گذار ایران در سال ۹۲ با تغییراتی که در قوانین بازجویی قانون آیین دادرسی کیفری داشت، تلاش نمود تا از حقوق افراد نزد ضابطین دادگستری دفاع نماید، قیاس حقوق افراد در دوران بازجویی با دیگر کشورهای جهان به‌طور اخص با کشور ایالات‌متحده آمریکا که حقوق افراد در زمان بازجویی را در حدود نیم‌قرن پیش به رسمیت شناخته است، می‌تواند شناخت بیشتری را در ذهن نسبت به میزان توجه قانون‌گذار ایران فراهم نماید در این پژوهش سعی شده است مطالعه تطبیقی حقوق دوران بازجویی نزد پلیس در نظام کیفری ایران و آمریکا انجام و میزان تضمین حقوق افراد در فرآیند بازجویی در قانون ایران روشن‌تر گردد.

واژگان کلیدی: بازجویی - مصاحبه - حق سکوت - پلیس - متهم

مقدمه:

استنتاج یا بازجویی همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی ضابطین دادگستری در ریشه‌یابی و پیگیری جرائم و شناسایی و دستگیری عوامل اصلی جرم و سایر همدستان آنان بوده است؛ بازجویی و مصاحبه یکی از آسان‌ترین و بدیهی‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات محسوب می‌شود که بدون انجام دقیق و درست آن بسیاری از پرونده‌های قضایی و جنایی بی‌نتیجه خواهد ماند.

دامنه مفهوم بازجویی در ادبیات حقوقی ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر وسیع است و بازجویی از شاهد، مطلع، شاکی و متهم را هم در برمی‌گیرد، در صورتی که در ادبیات حقوقی کشورهای خارجی برای هر یک از این‌ها کلمات بخصوصی وضع شده، چنانکه در حقوق فرانسه معمولاً کلمه «Audition» به استماع شهادت و اطلاعات به‌وسیله اعضای پلیس قضایی، «Deposition» به شنیدن اظهارات شاهد و مطلع به‌وسیله بازپرس گفته شد و «Interrogation» به بازجویی از متهم گفته می‌شود (انصاری، ۱۳۹۰، ۹۰) که در این مقاله منظور از بازجویی این مفهوم می‌باشد

در حقوق آمریکا نیز «Interrogation» به بازجویی از متهم گفته شده است و هدف از بازجویی تنها تحصیل اقرار نیست، بلکه مراد به دست آوردن اطلاعات صحیح، کشف حقیقت و تمیز دروغ از راست است، چه، اقرار ممکن است درست یا نادرست باشد.

با توجه به نقش پلیس به‌عنوان ضابطین دادگستری در فرآیند دادرسی، قانون‌گذار در سال ۹۲ با اصلاحاتی در قانون آیین دادرسی کیفری^۱ توجه ویژه‌ای به این امر نموده و تغییراتی را نسبت

۱ - قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۹۲/۱۲/۴ به تصویب مجلس شورای

اسلامی رسید، طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری نیز در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۵ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ در اجرای

به قانون گذشته اعمال نموده است و ضمن محترم شماردن حقوق متهم در مرحله بازجویی مواد قانونی را پیش‌بینی و به تصویب رسانیده تا از نقض حقوق شهروندی به جهت سکوت قانون در این مرحله پیشگیری صورت گیرد اما این مفاد قانونی که قانون‌گذار در سال ۹۲ از تصویب گذرانده است می‌تواند حقوق افراد را در مرحله تحقیقات مقدماتی و به‌صورت ویژه در مرحله بازجویی تضمین نماید و اینکه با اعمال و اجرای این مفاد قانونی ضابطین دادگستری در رسیدن به کشف جرائم با مشکل مواجه خواهند شد یا خیر، که در این پژوهش سعی می‌گردد با مطالعه تطبیقی قوانین بازجویی در ایران و ایالات‌متحده به پرسش‌ها پاسخ داده شود و راهکار مناسبی برای رسیدن به اهداف قانون‌گذار و اهداف ضابطین دادگستری پیشنهاد گردد.

حق سکوت در آ.د.ک ۹۲

اصولاً مواجه‌شدن متهم با شرایط بازجویی شدیداً او را در معرض تهدید قرار می‌دهد و حیثیت و شرافت و آزادی او به مخاطره می‌افتد. ایراد اتهام، سبب تزلزل روحی و احساس عدم امنیت می‌شود و آن‌هم به خاطر آن است که پلیس و دادستان از حمایت قوای عمومی برخوردار است، درحالی‌که متهم از چنین پشتوانه‌ای بهره‌مند نیست.

برخی معتقدند که چون متهم بابتان حقیقت خود را در معرض مجازات می‌بیند، به‌ویژه مجازات سنگین، غریزه صیانت بالذات، او را به خاموشی فرامی‌خواند. البته این دلیل در برخی از

اصل نودوچهارم قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. پس از اعلام ایرادات شورا بر مصوبه مجلس (ارسالی طی نامه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۰)، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ مصوبه اولیه خود را اصلاح و اصلاحیه مزبور در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ به شورای نگهبان ارسال شد. این شورا طی جلسه‌ای در همان روز مصوبه مجلس را مغایر قانون اساسی و شرع تشخیص نداد.

مجازات مصداق دارد، ولی آنچه مسلم است این است که هیچ انسانی را نمی‌توان به بازگو کردن حقایقی که به ضرر او ممکن است تمام شود تکلیف کرد. از این رو، می‌گوییم اقرار با آزادی فرد و سلطه او بر خودش تعارض دارد و اصولاً به‌ندرت می‌توان مقصری را یافت که به اختیار خود اقرار کند و به آنچه ندای وجدان گفته می‌شود، پاسخ گوید. (دکتر محمد رضوی، ۲۳۴، ۹۱)

در ترجیح داشتن، سکوت به حرف زدن اگر گفته‌های انسان را به دو نوع راست و دروغ تقسیم کنیم، بدیهی است که سکوت بهتر از دروغ‌گویی است. بنابراین اگر از نظر اخلاقی نیز به قضیه نگرسته شود، سکوت بر دروغ‌گویی اولویت دارد. (رحم‌دل، ۱۸۸، ۸۴)

گاهی ممکن است متهم تمایل داشته باشد اظهارات خود را در حضور وکیل بیان کند یا قبل از آن با وکیل مشورت کند، بنابراین تا حضور وکیل سکوت اختیار می‌کند.

تکلیف ضابطان و مقامات قضایی به اعلام حق سکوت، به‌عنوان یکی از دستاوردهای حقوق بشری و قرائتی نوین از آثار اصل برائت در هزاره سوم است. در ق.آ.د.ک. قدیم درست در جهت عکس قدم برداشته شده بود. این قانون بدون توجه و دقت کافی به بحث‌های حقوق بشری و لزوم رعایت هر چه بیشتر حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی، تحدیدات جدی را در مورد حقوق دفاعی متهم به وجود آورده بود و فقط در حد اشاره به اینکه «... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود» اکتفا کرده بود بدون اینکه الزامی برای ضابطان و مقامات قضایی مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی به وجود آورده باشد. لذا ضابطان قضایی در این مرحله، الزامی به اعلام حق سکوت به متهم نداشته و از انجام دادن چنین تکلیفی معاف شناخته شده بودند.

ماده ۱۹۷ آیین دادرسی کیفری سال ۹۲، در این خصوص اشعار می‌دارد «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضا در صورت مجلس قید می‌شود.» اگرچه اعلام حق سکوت، توسط پلیس به متهم، به‌طور صریح، توسط قانون‌گذار ذکر نشده است، لیکن باین حال، قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ این ضعف را برطرف کرده است. بر اساس ماده ۵ «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به

وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.» و یکی از حقوق دفاعی پذیرفته‌شده در این قانون نیز اعلام حق سکوت برابر ماده ۱۹۷ است. از طرفی دیگر قانون‌گذار ضمانت اجرایی خاصی را برای حمایت از این حق قرار نداده است.

مخالفین حق سکوت بر این معتقدند که افراد بی‌گناه هرگز از امتیاز حق سکوت استفاده نمی‌کنند بلکه خواهان حرف زدن هستند و این مجرمانند که از امتیاز حق سکوت و حقوق دفاعی بهره‌مند می‌شوند و این باعث خواهد شد که مجرمان خطرناک، نظام عدالت کیفری را سخره بگیرند به نظر آنان این حق موجب ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم شده است، از دید آنان چنانچه به متهمان حق سکوت داده شود، عملاً دستیابی به ادله غیرممکن خواهد شد، از این‌رو ضروری است سکوت متهمان قرینه‌ای بر گناهکاری آنان تلقی شود چنانچه متهمان بدانند که سکوتشان قرینه مجرمیت خواهد شد تشویق می‌شوند که حقایق را بیان کنند.

بر مبنای استدلال‌های مخالفان، سکوت متهم در دو مورد می‌تواند دال بر مجرم بودن او باشد: ۱- هنگامی که متهم در زمان بازجویی یا پس از تفهیم اتهام و در زمانی که پلیس به دنبال کشف این است که آیا جرمی ارتکاب یافته و مرتکب کیست، از ذکر حقایقی که متعاقباً در دفاعیاتش می‌خواهد به آن‌ها استناد کند، قصور ورزد؛ ۲- هنگامی که به فرد تفهیم اتهام شود یا به‌طور رسمی مطلع شود که ممکن است مورد تعقیب قرار گیرد، ولی همچنان از بیان حقیقت خودداری کند. در این موارد به متهم تفهیم می‌شود که ملزم به پاسخ‌گویی نیست، ولی هر فعلی که انجام می‌دهد ممکن است قرینه محسوب شود.

که به نظر می‌رسد قانون‌گذار می‌بایست سازوکار استفاده از حق سکوت توسط متهم را نیز شرح می‌داد تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری به عمل آید..

داشتن وکیل و استفاده از مشاوره قضایی

همان‌گونه که قانون‌گذار اجازه داده که در مواقع خطر جانی یا مالی هر شخصی بتواند با استفاده از ابزارهای قانونی از خود دفاع کرده و خطر را از خودش دور کند و در واقع به او اجازه دفاع مشروع داده است، در امور حقوقی نیز چنانچه شخصی مواجه با جمله‌ای شود یعنی دعوایی کیفری

با حقوقی علیه وی مطرح شود حق دارد با استفاده از ابزارهای مناسب قانونی از حقوق خود دفاع کند. مثلاً ایراد اتهام با توجه به ابزارهای قانونی صورت می‌گیرد و معمولاً اشخاص معمولی با مسائل قانونی و زیربوم‌های حقوق خود آشنا نیستند باید امر دفاع را کسی که مسلط به قوانین جاریه مملکت باشد به عهده گیرد تا بتواند دفاعی مناسب حمله (یعنی ایراد اتهام) به عمل آورد.

لذا انتخاب وکیل در واقع برای استیفای حق دفاع است که از حقوق اولیه هر شهروند ایرانی است و تنها وکیل می‌تواند چنین حقی را به نحو احسن استیفا کند و به همین دلیل در اغلب نظام‌های حقوقی نوین جهان امروز همراه داشتن وکیل در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی و در امور حقوقی از حقوق اولیه هر شخص است. در قانون آیین دادرسی جدید نیز چنین حقی برای طرف‌های دعوا در نظر گرفته شده است و نه تنها متهم حق دارد که از وکیل استفاده کند بلکه دادرسی و دادگاه‌ها هم مکلف شده‌اند که اگر متهمی وکیل نداشت برای او امکانات استفاده از وکیل را فراهم کنند (بند ۳ حفظ حقوق شهروندی، اصل ۳۵ قانون اساسی و مواد ۵ و ۴۸ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

اصل ۳۵ قانون اساسی اطلاق دارد و نیاز به هیچ تفسیری برای بیان اینکه وکیل در کدام یک از مراحل باید حضور داشته باشد نیست در تبصره ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز می‌گوید: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. اطلاق وجود دارد ولیکن در ماده ۴۸ و ۱۹۰ ق آ د ک بیان شده است «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

قانون‌گذار در تبصره ماده ۴۸ به‌صراحت به تحدید حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی مبادرت ورزیده است: «تبصره- اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا

جرائم موضوع بندهای (الف)، ب (و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.»

امکان ممانعت از حضور وکیل مدافع تحت عناوین فوق، با در نظر گرفتن بازه زمانی (یک هفته پس از شروع بازداشت (هرچند موجب اضرار به حق دفاع متهم خواهد بود لیکن به نظر می‌رسد این مدت‌زمان، فرصتی مناسبی را برای ضابطین قضایی به همراه خواهد داشت تا در جرائم مهم سریع‌تر به کشف حقیقت دست یابند.

مقنن در قانون جدید بر ضرورت تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز اشاره کرده است برابر مفاد تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق آ د ک «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.»

آیا پلیس ملزم به اعلام حق داشت وکیل به متهم می‌باشد؟

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ در خصوص حق داشتن وکیل مدافع، پلیس ملزم به مطلع کردن متهم مبنی بر حق داشتن وکیل نبود، ولیکن در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ آ.د.ک. مصوب سال ۹۲ سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات بوده، و با تغییراتی که قانون‌گذار در تاریخ ۹۴/۳/۲۴ در قانون اعمال نمود این تبصره را بدین مضمون تغییر داد «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است»

حقوق افراد در زمان بازجویی در آمریکا

پلیس امریکا

وارن ای برگر به‌عنوان رئیس دادگاه سابق دیوان عالی ایالات‌متحده اظهار داشت «بنیان‌گذاران که به خطرات سوءاستفاده از قدرت آگاه بودند، نظام آزادی را بانظم ایجاد کرده و برای محافظت مردم در مقابل سوءاستفاده از قدرت، لایحه حقوق بشر (قانون اساسی آمریکا) را

به‌عنوان یک مقوله دفاعی به دولت ارائه دادند» باوجود این سیستم پلیس و حفظ نظم در ایالات‌متحده بر اساس نظام پلیسی پیشرفته انگلستان طراحی شده است (انصاری، ۱۳۹۰، ۳۸۹)

در ایالات‌متحده آمریکا تقریباً ۴۰،۰۰۰ موسسه مستقل اجرای قانون عمومی وجود دارد و این مؤسسات تحت نظارت وزارت دادگستری در ۱۶۰۰۰ شهرستان، ۳۰۰۰ استان، ۵۰ ایالت و حومه کلمبیا و بخش‌های متعدد دیگر دولت فدرال قرار دارند.

پلیس و دیوان عالی کشور (تغییرات اساسی در آیین دادرسی کیفری)

در سال‌های بین ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ آیین دادرسی ایالات‌متحده دچار تحول عمیقی شد لذا صاحب‌نظران از این دوران به‌عنوان دوران تغییرات اساسی در آیین دادرسی آمریکا یاد می‌کنند در این سال‌ها دیوان عالی ایالات‌متحده نقش اصلی و بسیار مهمی را در تدوین و تعمیم قوانین مربوط به آیین دادرسی بر عهده گرفت بر این اساس دیوان عالی توانست به‌عنوان مقنن قوانین مربوط به آیین دادرسی به ایفای نقش بپردازد. دیوان عالی کشور به ریاست یک قاضی به نام ارل وارن (۱۸۹۱-۱۹۷۴) با استناد به قانون اساسی آمریکا و اصلاحیه چهاردهم قانون آیین دادرسی، شیوه‌های دادرسی کیفری نوینی را در ایالت‌های مختلف آمریکا به اجرا درآورد که متأسفانه در ابتدا اجرای این قوانین شکلی جدید ضربه مهلکی، بر شیوه عملکرد ادارات پلیس وارد ساخت، بالطبع محدودیت عملکرد پلیس، ارتکاب جرم را در سطح کشور به مقدار وسیعی افزایش داد، از سوی دیگر، بسیاری از سیاستمداران در خصوص اصلاح قوانین آیین دادرسی با یکدیگر در اختلاف بودند و مخالفین در این مورد اذعان می‌داشتند که از نظر حقوقی و قانونی، قوانین باید از سوی مجلس تصویب و ابلاغ گردد نه از طریق قوه قضائیه، به‌منظور آشنایی مردم با قوانین جدید، مسئله جرم و مجرم به‌طور فزاینده‌ای از طریق وسایل ارتباط جمعی جهت روشن شدن اذهان مردم مطرح گردید، یکی از موارد اصلاحیه، قانون مربوط به تأمین‌های قضایی بود که بر اساس آن مدعی علیه در دعاوی جنایی دارای حقوق و مصونیت‌های می‌گردید، استفاده از این قواعد تأمینی به‌وسیله دادگاه‌های تابعه دیوان عالی کشور، مصادف با زمانی بود که وحشت مردم از جرم و فشارهای اجتماعی و روانی ناشی از آن بسیار شدید بود که این مسئله موجب گردید میزان مقابله و

عکس‌العمل مردم در برابر این قوانین گسترش یابد، عکس‌العملی که دیوان عالی کشور در برابر این اعتراضات اجتماعی از خود نشان داد، تشکیل دادگاهی به ریاست وارن بود که برخلاف انتظار این دادگاه نه تنها نتوانست بحران‌ها و افزایش جرم در سطح کشور را کاهش دهد، بلکه به اختلافات موجود نیز دامن زد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که هدف از تصویب این قوانین توسعه عملکرد قضایی دادگاه‌ها در زمینه تحقیقات و تعقیب قانونی و همچنین حق مشورت قضایی متهم با وکیل مدافع بود و این قوانین موجب افزایش حقوق مجرمین گردید

از سوی دیگر تأثیراتی که تصویب این قوانین بر کیفیت کار پلیس گذارد، بهبود شیوه عملکرد ادارات پلیس در برخورد با جرم و مجرمین بود، این قوانین تا حدود زیادی استفاده از روش‌های غیرمتعارف و غیرمنطقی را در برخورد با مجرمین کاهش می‌داد، قوانین مزبور رویه‌های نوین بازجویی را در پلیس پیشنهاد کرد و از طرف دیگر چگونگی روش تحقیق در صحنه جرم و ضبط مدارک جرم را به مأمورین می‌آموخت، با تمام این اصلاحات و قوانین مصوبه از سوی دیوان عالی کشور، ادارات پلیس اعلام نمودند که اجرای قوانین فوق موجب گردیده که آن‌ها در حیطه قوانین قضایی محدود و محصور باشند و نتوانستند به‌طور کلی به وظیفه خود در خصوص دستگیری متهمین عمل نمایند، از طرف دیگر بسیاری از صاحب‌نظران استدلال می‌کردند با استفاده از آراء صادره می‌توان یک محکمه بی‌طرف را در خصوص متهم تشکیل داد، در اوایل دهه ۱۹۷۰، با توجه به این که آراء صادره از سوی دیوان عالی کشور روش‌های جدیدی را در برخورد پلیس با مجرمین پیشنهاد می‌کرد، بسیاری از ادارات پلیس اعلام نمودند که آراء مذکور باعث شده که پلیس علمی به‌سرعت توسعه یابد، چراکه آن‌ها با استفاده از قوانین جدید مجبور شده‌اند روش‌های نامناسب پلیسی را کنار بگذارند، متعاقب آن ادارات پلیس آموزش‌های گسترده‌ای را در خصوص انجام بازجویی‌ها و تحقیقات قانونی تحت نظارت دیوان عالی کشور به پرسنل آغاز نمودند، تأثیر مهم دیگری که اهمیت استفاده از این قوانین جدید را آشکار می‌سازد، کاربرد دلایل مادی جرم و روش‌های تحقیقاتی مربوط به آن و همچنین تجزیه و تحلیل این مدارک در اثبات یک جرم بود.

مهدی نجاتی، ۸۱، ۲۹۳)

مصاحبه:

در تحقیقات جنایی مصاحبه عبارت است از گفتگوی حضوری به‌منظور به دست آوردن اطلاعاتی از یک جرم یا موجبات وقوع آن در اختیاردارند مصاحبه عملی است که به‌واسطه آن مأمور تحقیق پس از بررسی و تحقیق موفق به تهیه اطلاعاتی در خصوص جرم می‌شود سپس وی اطلاعات جمع‌آوری شده را پس از ارزیابی به مراجع ذیصلاح تسلیم می‌نماید، به بیانی دیگر مصاحبه، پرسیدن سؤال از افرادی است که عقیده دارند دارای اطلاعاتی هستند که مأمور تحقیق جهت کشف جرم علاقه‌مند به داشتن آن‌ها می‌باشد.

بازجویی:

بازجویی عبارت است از تطبیق اطلاعات به‌دست‌آمده با اظهارات یک مظنون ویژه و اخذ اعتراف از وی، در حقوق آمریکا هدف از بازجویی تنها تحصیل اقرار نیست بلکه مراد به دست آوردن اطلاعات صحیح و کشف حقیقت و تمیز دروغ از راست است، چه اقرار ممکن است درست یا نادرست باشد.

اهداف بازجویی و مصاحبه:

هدف از مصاحبه به دست آوردن اطلاعات است، لیکن هدف از انجام بازجویی ارزیابی این اطلاعات است با اظهارات مظنون یا متهم می‌باشد، معمولاً در بازجویی چهار هدف مشخص ملاک عمل قرار می‌گیرد که به ترتیب عبارت‌اند از:

- دستیابی به حقایق با ارزش
- رفع مظنونیت یا اثبات بی‌گناهی
- شناسایی مجرم
- اخذ اعتراف



با توجه به چهار مرحله فوق درمی‌یابیم که از اولین گام در انجام بازجویی که دستیابی به اطلاعات و حقایق ارزشمند در خصوص جرم ارتكابی می‌باشد تا اخذ اعتراف، همواره مشکلات و ارزش اطلاعات سیر صعودی پیدا می‌کند لذا مأمور تحقیق هرچه بیشتر در جهت رسیدن به مراحل بالاتر گام بردارد، به همان میزان با موانع و مشکلات زیادی نیز مواجه می‌گردد، بالاین حال ارزش اطلاعات کسب‌شده در مراحل بالاتر این موانع را برطرف خواهد کرد، تصویر فوق نشان‌دهنده این ارتباط می‌باشد.

احتمال دارد هدف اول که در بالا به آن اشاره شد، هم در مصاحبه و هم در بازجویی به‌طور یکسان قابل‌دستیابی باشد بنابراین مأمور تحقیق باید در هنگام اخذ اعتراف از مظنون با مطرح نمودن سؤالات اساسی از قبیل چه کسی؟ چه؟ کجا؟ چه وقت؟ چگونه؟ با چه؟ با چه کسی؟ و چقدر؟ که کلیه جنبه‌های تحقیقی را در برداشته باشد، در جستجوی اطلاعاتی درباره حقایق بوده و درصدد به دست آوردن اطلاعات اساسی در خصوص جرم ارتكابی برآید.

وجوه اشتراک و افتراق مصاحبه و بازجویی

همان‌گونه که در خصوص مصاحبه عنوان گردید، موفقیت در یک بازجویی نیز بستگی به خصوصیات فردی و میزان تعهد مأمور تحقیق دارد، برنامه‌ریزی و کنترل رویدادها و حوادث در مصاحبه و بازجویی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. (مهدی نجاتی، ۲۹۶، ۸۱)

الف: وجوه اشتراک مصاحبه و بازجویی

مصاحبه	بازجویی
برنامه‌ریزی اهمیت دارد	برنامه‌ریزی بسیار اهمیت دارد
کنترل اهمیت دارد	کنترل بسیار اهمیت دارد
گفتگوهای خصوصی و مخفیانه اهمیت دارد	گفتگوهای خصوصی و مخفیانه بسیار اهمیت دارد
ایجاد روابط حسنه اهمیت دارد	ایجاد روابط حسنه اهمیت دارد
استفاده از سؤالات مناسب اهمیت دارد	استفاده از سؤالات مناسب اهمیت دارد
گوش کردن اهمیت دارد	گوش کردن اهمیت دارد
مستندسازی اهمیت دارد	مستندسازی اهمیت دارد

از دیگر عوامل مهم دیگری که در دو روش فوق مدنظر قرار می‌گیرد می‌توان به مواردی چون

برقراری ارتباط با مظنون، طرح سؤالات صحیح، گوش دادن دقیق و مستندسازی صحیح اشاره نمود، جدول فوق نشان‌دهنده شباهت‌های موجود در بین بازجویی و مصاحبه می‌باشد، یکی از مسائل عمده‌ای که در مصاحبه ذکر از آن به میان نیامده لیکن در بازجویی باید مدنظر قرار گیرد، رعایت مقررات قانونی در حین انجام بازجویی می‌باشد، به دلیل اهمیت فوق‌العاده اعتراف و تأثیر آن در محکوم ساختن افراد، شگفت‌انگیز نخواهد بود که مقررات قانونی قابل‌توجهی درباره «وضع گردیده باشد که وجود آن‌ها در مصاحبه با شاکیان و شهود ضروری به نظر نمی‌رسد، تفاوت‌های موجود بین مصاحبه و بازجویی در جدول زیر عنوان گردیده است.

ب: وجوه افتراق مصاحبه و بازجویی

مصاحبه	بازجویی
هدف کسب اطلاعات است	هدف ارزیابی اطلاعاتی است که قبلاً به‌دست آمده است
مقررات قانونی خاصی ندارد و تفهیم حقوق دفاعی ضروری نیست	مقررات قانونی زیادی دارد و تفهیم حقوق دفاعی به متهم یا مظنون ضروری است
بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده ارتباط نزدیک و خوبی وجود دارد	بین بازجویی و سوژه احتمالاً نوعی خصومت وجود دارد
مجرمینی در بین نیست و اگر باشد مشخص نیست	احتمالاً سوژه مجرم است
برنامه‌ریزی و آمادگی در حد اعتدال	برنامه‌ریزی و آمادگی در حد بسیار وسیع
محیط مصاحبه خصوصی باشد بهتر است	مخفی بودن بازجویی مطلقاً ضروری است

مبانی حقوقی بازجویی

قبل از پرداختن به شیوه‌های بازجویی ضروری است که در خصوص مبانی حقوقی بازجویی و اینکه مأمور تحقیق قبل از بازجویی چه نکاتی را باید مدنظر قرار دهد سخن گفته شود

قوانین مربوط به بازجویی در دهه شصت مورد بررسی قرار گرفت و در این راستا دیوان عالی کشور با صدور چهار رأی قانونی، شرایطی را که باید توسط بازجو در حین بازجویی ملاک عمل قرار گیرد، تعیین و مشخص نمود:

۱- اصل عدم امکان الزام اشخاص به شهادت علیه خود یا مصونیت از شهادت علیه خود که در اصلاحیه پنجم قانون اساسی پیش‌بینی گردید؛

«(حق مصونیت از خود اتهامی) ^۱ حقوق کیفری ایالات متحده طبق قاعده معروف به «هیچ‌کس را نباید مجبور ساخت علیه خود گواهی دهد»^۲، مصونیت افراد را محترم می‌شمارد و اصل عدم امکان الزام اشخاص به شهادت علیه خود در بند آخر اصلاحیه پنجم قانونی اساسی آمریکا چنین پیش‌بینی شده است: ... و نمی‌توان او (متهم) را مجبور ساخت در قضایای کیفری علیه خود گواهی دهد»

۲- «(حق برخورداری از معاضدت قضایی) ^۳ که در اصلاحیه ششم قانون اساسی آورده

شد.

^۱ -protection against self-incrimination

^۲ - memo teneture proders seipsum

^۳ -guaranree of right to counsel.

«حق برخورداری از معاضدت قضایی (اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات‌متحده چنین می‌گوید؛ ... متهم باید با شهود مواجهه داده شود، متهم باید فرصت کافی داشته باشد تا به نفع خود تحصیل گواه کند و برای دفاع از خود از مشاور قضایی کمک بگیرد»

۳- اصل مصونیت از الزام به بازجویی (حق سکوت) که موضوع بحث بند اول اصلاحیه پنجم قانون اساسی ایالات‌متحده می‌باشد؛

«.. هیچ‌کس را نمی‌توان ملزم به جوابگویی در زمینه جرائم کبیره یا بزه‌های رذیله نمود ...»

۴- اصل آگاهی از ماهیت اتهام متناسب به‌منظور تدارک وسایل دفاعی

«برابر اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا متهم حق دارد از ماهیت متناسبه آگاه شود (تکلیف مأمور به تفهیم اتهام) و اظهارات او پس از اطلاع از نوع و کیفیت اتهام متناسبه و انتخاب طریقه دفاعی عیناً و بدون تغییر و تحریف ثبت گردد.»

این چهار رأی در چهاردهمین اصلاحیه آیین دادرسی به دادگاه‌های ایالتی ابلاغ گردید، آنچه در ذیل می‌آید، مربوط به موردی است که موجب گردید آیین بازجویی و اصول حاکم بر اقرار تا حدود زیادی دچار تحوّل و دگرگونی شود.

دعوای میراندا در آریزونا^۱

دیوان عالی کشور آمریکا با صدور آراء قانونی، رویه‌های بازجویی از مظنونین را مورد اصلاح و بازبینی قرارداد؛ در مارس ۱۹۶۳ ارنست میراندا به جرم تجاوز جنسی و آدم‌ربایی دستگیر گردید، پس از اینکه وی توسط شاکی شناسایی شد، چندین ساعت توسط پلیس مورد بازجویی قرار گرفت که درز نتیجه او برگه اعترافات خود را امضاء کرد که این مسئله اشاره می‌کرد که وی از روی اراده اقرارنامه را امضاء نموده است، از سوی دادگاه اعتراف وی به‌عنوان یک مدرک مستدل مورد ارزیابی

^۱ -ernest miranda

قرار گرفت لیکن پس از چندی وی تقاضای حق مشورت قضایی نموده که این تقاضا به دلیل اینکه وی قبلاً به محکومیت خود اعتراف نموده بود از سوی هیئت منصفه دادگاه مردود شناخته شد، دادگاه ایالتی آریزونا نیز محکومیت میراندا را مورد تأکید قرارداد و عنوان نمود که اسکوبدو قبل از بازجویی از حق مشورت قضایی آگاه شده و پس از آن به جرم خود اعتراف نموده است.

دیوان عالی کشور حکم صادره از سوی دادگاه ایالتی آریزونا را رد نمود و کوشش نمود تا با تجدیدنظر در خصوص احکام صادره در خصوص احکام صادره در خصوص اسکوبدو یعنی قبل از اینکه پلیس اشخاص در توقیف را مورد بازجویی قرار داده و سخنان آنان را به عنوان دلیل جرم ملاک قرار دهد، حقوق متهم را وسعت بخشد. لذا در جهت تکمیل نواقص قانونی موجود در دعوی اسکوبدو دیوان عالی تصمیم گرفت که در اصلاحیه پنجم قانون حق مصونیت از خود اتهامی را نیز به عنوان یک اصل قانونی اضافه نماید.

آنچه از این اصلاحیه مستفاد می شود، این است که اصولاً مظنونین به ارتکاب جرم می توانند از پاسخ به سؤالات مأمورین تحقیق تا لحظه حضور وکیل خود خودداری کنند لذا انجام بازجویی از سوی مأمور تحقیق منوط به تفهیم این حقوق دفاعی به مظنون می باشد و عدم مراعات اصول مزبور موجب بی اعتباری بازجویی از نظر دادگاه خواهد شد به طور خلاصه این حقوق به شرح زیر بیان می شوند:

۱- حق مصونیت از الزام به بازجویی (حق سکوت)

۲- تفهیم حقی که به واسطه آن به مظنون اعلام می شود که کلیه اظهارات وی در دادگاه مطرح خواهد شد.

۳- حق مشورت قضایی با وکیل در هنگام پاسخ به سؤالات و حق اختیار نمودن وکیلی که طی بازجویی حضور فعال داشته باشد.

۴- حق برخورداری از معاضدت قضایی، در صورتی که متهم نتواند وکیلی را اختیار نماید

دادگاه به نیابت و کیلی را جهت وی انتخاب خواهد نمود.

مأمور تحقیق و حقوق دفاعی مظنون (متهم)

به‌عنوان یک اصل کلی مأمور تحقیق باید از مظنون سؤال نماید که آیا وی حقوق اساسی دفاعی خود را می‌داند یا اینکه این موارد باید برای او تفهیم گردد؟ اگر جواب مثبت باشد، مأمور باید از وی سؤال نماید که آیا تمایل دارد در زمینه جرم ارتكابی سخن بگوید یا خیر، در این‌گونه موارد مظنون ممکن به چهار طریقه پاسخ گوید:

- ممکن است وی بر اساس قاعده مصونیت از الزام بازجویی، سکوت اختیار کند و یا حتی تمایلی به پاسخگویی به سؤالات مأمور تحقیق نداشته باشد، در این‌گونه مواقع دادگاه‌ها حق سکوت مظنون را دلالت بر عدم تمایل مظنون به بازجویی می‌دانند (طبق ماده ۳۱ قانون دادرسی نظامی آمریکا متهم حق دارد در تحقیقات مقدماتی ساکت بماند و هیچ صحبت نکند و بازپرس یا بازجو باید پیش از بازجویی به او اعلام کند که می‌تواند سکوت اختیار کند و می‌تواند جواب بدهد، ولی هرگاه اظهاراتش دروغ باشد ممکن است علیه وی مورد استفاده قرار گیرد)

- ممکن است مظنون برای دفاع از خود از مشاور قضایی کمک بگیرد، در این‌گونه مواقع نیز مأمور تحقیق باید از بازجویی متهم اجتناب نماید، چراکه در صورت اقرار متهم اظهارات وی از نظر دادگاه‌ها اعتبار قانونی نخواهد داشت.

- ممکن است مظنون از حقوق دفاعی خود صرف‌نظر نموده و بدون در نظر گرفتن اصل مشورت و معاضدت قضایی موافقت نماید که با پلیس سخن گوید، در این‌گونه مواقع مأمور تحقیق با استفاده آر فرم صرف‌نظر نمودن از حقوق دفاعی بازجویی جنبه قانونی می‌دهد، آئین دادرسی کیفری بر لزوم وجود دلایل کافی قانونی به همراه بازجویی تأکید بسیاری دارد.

تکمیل فرم توسط مظنون باید آزادانه و به‌طور ارادی و آگاهانه انجام گیرد، دلیل انجام این کار این است که طی مراحل دادرسی و همچنین در دادگاه بتوان ثابت نمود که طی بازجویی کلیه حقوق دفاعی مظنون برای وی تفهیم شده و مظنون با اختیار و آگاهانه از حقوق خود صرف‌نظر

نموده است.

بنابراین برای یک مأمور تحقیق مسلم خواهد بود که فرم صرف نظر نمودن از حقوق دفاعی مظنون باید به عنوان یک مدرک مستدل که از روی اراده و آگاهانه تکمیل گردیده در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد مورد دیگری که باید مدنظر قرارداد این است که گرچه ممکن است مظنون نسبت به تکمیل فرم صرف نظر کردن از حقوق دفاعی اقدام نماید، لیکن در هر زمانی که اراده نماید می تواند بی اعتبار بودن این فرم را نیز اعلام کند، اگر این مورد طی بازجویی رخ دهد و مظنون از پاسخگویی به سؤالات مأمور امتناع کند وی باید به عنوان یک وظیفه قانونی بازجویی را متوقف ساخته و در صورت درخواست مظنون نسبت به حق استفاده از مشاور قضایی در تحقیقاتی که از او می شود اقدام نماید.

• ممکن است مظنون عدم تمایل خود نسبت به پاسخگویی به سؤالات مأمورین تحقیق را با یک درخواست ابراز نماید، در این گونه مواقع پلیس چاره‌ای جز خودداری از بازجویی مظنون ندارد و مأمور تحقیق باید نسبت به جمع‌آوری دلایل و مدارک مستقل که در برخی اوقات ممکن است، (و شاید این امکان وجود نداشته باشد) برای اخذ اجازه‌نامه قضائی که جهت تعقیب قانونی کافی باشد، اقدام نماید.

از آنجایی که تعقیب قانونی منوط به جمع‌آوری دلایل موجه توسط مأمورین تحقیق می‌باشد و آن‌ها با استفاده از این دلایل باید تکمیل نمودن اختیاری فرم، صرف نظر کردن از حقوق دفاعی و همچنین تفهیم حقوق اساسی دفاعی متهم را به اثبات برسانند، لذا بسیاری ادارات پلیس با استفاده از کارت‌هایی که قبلاً چاپ شده و با عبارات دقیق قانونی موارد فوق در آن منعکس شده است، حقوق متهم را به وی تفهیم می‌نمایند.

ضروری است که در هنگام تکمیل نمودن کارت، کلمه به کلمه عبارات آن برای مظنون قرائت شود، به این طریق زمانی که مأمور تحقیق در دادگاه حاضر می‌شود، می‌تواند تفهیم حقوق دفاعی متهم را به آسانی به اثبات برساند، لذا استفاده از این روش ثابت می‌کند که کلیه حقوق دفاعی میراندا با عبارات قانونی دقیقاً به متهم تفهیم شده است.

شخصی که در توقیف بسر می‌برد، اغلب تمایل دارد که هیچ‌گونه پاسخی به سؤالات مأمورین تحقیق ندهد و یا حداقل تا زمانی که وکیل وی حاضر نباشد، او این رویه را انتخاب می‌کند. زمانی هم که وکیل در محل بازجویی حاضر می‌شود، معمولاً فرض بر این است که وی نیز متهم را به سکوت وادار می‌کند، لذا در برخی اوقات مشاهده شده که به دلایل فوق حقوق دفاعی متهم از سوی مأمورین پلیس نادیده انگاشته می‌شود، یا وجود این ضروری است که مأمورین تحقیق آگاه باشند تنها اقرارهای تحصیلی مطابق مقررات قانونی از ارزش والایی برخوردار بوده و مسلماً توسط دادگاه مورد پذیرش قرار خواهند گرفت.

نتیجه‌گیری:

از اهمیت و جایگاه بازجویی نزد ضابطین دادگستری در نظام قضایی ایران و نظام قضایی آمریکا صحبت به میان آمد اما نتیجه این بحث که آیا قانون‌گذار ایران در سال ۹۲ با تغییراتی که در بسته حمایتی خود برای متهم فراهم نمود و آن را به تصویب رسانید، توانسته است با معیارهای بین‌المللی و به‌طور اخص در مقایسه با کشور ایالات‌متحده (حقوق دفاعی متهم در سال ۱۹۶۶ میلادی برابر با ۱۳۴۴ ه.ش حدود پنجاه سال قبل با تصویب قانون میراندا اجرا شده است) برای افراد در زمان بازجویی نزد ضابطین دادگستری و پلیس تضمین نماید؟

قانون‌گذار ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۹۲ کفه تغییرات در حوزه موازین ناظر بر بازجویی را به سمت ارتقاء حقوق دفاعی افراد و متهمین سنگین نموده است پیش‌بینی حق سکوت و الزام ضابطین و کارگزاران نظام عدالت کیفری به تفهیم این حق، منع شکنجه روحی، تعیین ترتیبات ثبت دقیق بازجویی، تأکید مجدد بر ممنوعیت اغفال و فریب، استفاده از مشاوره قضایی و همراه داشتن وکیل، سعی بر آن شده تا حقوق دفاعی متهم ارتقاء یابد.

اما در این میان به ضمانت اجرای خاصی اشاره نشده است فقط برابر تبصره ۱ ماده ۱۹۰ و ماده ۱۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ به عدم تفهیم حق داشتن وکیل توسط بازپرس اشاره شده و مجازات انتظامی درجه هشت و سه را در نظر گرفته است و از بی‌اعتباری تحقیقات صحبتی به میان نیاورده است و هیچ‌گونه تصریحی بر ابطال دلایل به‌دست‌آمده از بازجویی خلاف مقررات قانونی وجود ندارد همچنین است در خصوص حق سکوت که هیچ‌گونه ضمانت اجرایی قرار

داده نشده است، درحالی که در کشور آمریکا در صورتی که به هر دلیلی پلیس شرایط قانونی بازجویی را رعایت نکند قانون گذار ضمانت اجرای بطلان را برای آن پیش‌بینی نموده است. در واقع تعیین ضمانت اجرای بطلان در این موارد تضمینی بسیار مهم برای حقوق و هشدار جدی به پلیس باهدف رعایت حقوق متهم در مراحل اولیه تحقیقات می‌باشد.

بر اساس ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود» لیکن ترتیبات آن پیش‌بینی نشده است.

همچنین قانون گذار این موضوع را پیش‌بینی ننموده است که اگر متهم از حق سکوت استفاده نماید و سکوت اختیار کند در سرانجام پرونده قضایی وی چه تأثیری را خواهد داشت، قواعد بین‌المللی با شرایطی سکوت متهم را قرینه‌ای برای مجرمیت وی محسوب می‌نمایند (بر اساس ماده ۵۸ قانون عدالت جوانان و ادله کیفری انگلستان سکوت زمانی دال بر مجرمیت قرار می‌گیرد که متهم به وکیل دسترسی داشته و یا از حق استفاده از وکیل انصراف داده باشد لذا چنانچه وکیل حضور نداشته باشد، پلیس نمی‌تواند سکوت متهم را قرینه محسوب کند، دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز معتقد است «سکوت متهم نمی‌تواند به تنهایی مبنای صدور رأی قرار گیرد و دادگاه نمی‌تواند سکوت متهم را به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل محکومیت مورد استفاده قرار دهد، بر اساس نظر این دادگاه سکوت متهم می‌تواند در ارزیابی اعتبار ادله دیگر که توسط دادستان ارائه شده است مورد استفاده قرار گیرد.)

از طرف دیگر بر اساس گزارش سالانه دفتر تحقیقات فدرال «FBI» تحت عنوان گزارش جامع جرائم نرخ جرم در اوایل دهه ۱۹۷۰ به اوج خود می‌رسد اما از اوایل دهه ۹۰ با کاهش قابل توجهی همراه می‌گردد این در حالی است که اوایل دهه ۱۹۷۰ با توجه به آراء صادره از سوی دیوان عالی کشور آمریکا روش‌های جدید در برخورد پلیس با مجرمین (قانون میراندا) پیشنهاد شده است در این زمان بسیاری از ادارات پلیس اعلام می‌نمایند که آراء مذکور باعث شده است که پلیس علمی به سرعت توسعه یابد چراکه آن‌ها با استفاده از قوانین جدید مجبور شده‌اند روش‌های

نامناسب پلیسی را کنار بگذارند، متعاقب آن ادارات پلیس آموزش‌های گسترده‌ای را در خصوص انجام بازجویی‌ها و تحقیقات قانونی تحت نظارت دیوان عالی کشور به پرسنل خود آغاز نموده‌اند

این دیدگاه می‌تواند نگاه خوش‌بینانه به تدوین حقوق متهمین در تحقیقات مقدماتی نزد پلیس بیانجامد و آن توسعه سریع‌تر کشف علمی جرائم در پلیس خواهد بود.

در خصوص حقوق متهم و افراد دستگیرشده نزد پلیس آمریکا حقوق میراندا را می‌توان مهم‌ترین و معروف‌ترین حقوق افراد در زمان دستگیری دانست این حقوق از اولویت‌های اعلام پلیس در زمان دستگیری و انجام بازجویی از افراد می‌باشد که عبارت است از:

• از حق سکوت برخوردار

• هر آنچه به زبان می‌آورید می‌تواند علیه شما در دادگاه بکار گرفته شود

• قبل از پاسخگویی به سؤالات می‌توانید از مشاوره وکیل حقوقی بهره‌گیری کنید

• هنگام بیان اظهارات خود از حقوق حضور وکیل برخوردارید

• در صورت عدم توانایی مالی، دادگاه برای شما وکیل تسخیری معرفی می‌کند

• چنانچه قصد دارید بدون حضور وکیل، به سؤالات پاسخ دهید هر زمان می‌توانید از تصمیم خود بازگشته و با وکیل مشورت نمایید

در ادامه در صورت اینکه فرد بخواهد با صرف‌نظر نمودن حقوق خود به سؤالات مأمورین پاسخ دهد می‌بایست فرم اعراض از حقوق میراندا را نیز به شرح زیر تکمیل نماید

• آیا موارد فوق به جنابعالی تفهیم گردید

• آیا حاضرید بدون حضور وکیل به سؤالات پاسخ دهید

• آیا برای صرف‌نظر کردن از حقوق خود به پاسخگویی به سؤالات در معرض دهید یا فشار

هستید

این جانب با آگاهی کامل از حقوق خود و حق سکوت در مقابل اتهامات و عدم الزام به اقرار از حقوق خود صرف نظر نمودم. امضاء

همچنین لازم است علاوه بر مأمور بازجو یک شاهد نیز این اظهارات را تأیید نماید.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ سازوکار آن به صورت روشن بیان نشده که می‌طلبید به صورت آیین‌نامه اجرایی و طراحی فرم ابلاغ حقوق متهم و فرم انصراف از حقوق دفاعی، مسیر رسیدگی و بازجویی را نزد ضابطین روشن سازد.

اصل کلی آن است که بازجویی از متهم پس از دستگیری او باشد به عبارت دیگر بازجویی رسمی و مؤخر و منوط به دستگیری است (برای دستگیری متهم نیز صدور اجازه‌نامه قضایی لازم است صدور این اجازه‌نامه موکول به وجود شکایت مقید به قسم در دستگیری است (بنابراین وقتی که پلیس اجازه‌نامه قضایی دستگیری شخصی را از قاضی به دست می‌آورد قهراً حق بازجویی از وی را نیز پیدا می‌کند در حقوق آمریکا تنها حق بازجویی نیست که از حق دستگیری پیروی می‌کند بلکه سایر حقوق نیز مانند بازرسی منازل تابع حق دستگیری می‌باشد.

در پلیس آمریکا مصاحبه از بازجویی کاملاً مجزا بوده و سیستم قضایی انجام مصاحبه را ملزم به رعایت چهارچوب و اصول انجام بازجویی مانند تفهیم حقوق متهم و حقوق میراندا نمی‌داند لذا پلیس با استفاده از این موضوع سعی می‌نماید قبل از انجام هرگونه دعوت و دستگیری متهمین به اداره پلیس، با آنان مصاحبه داشته و اطلاعات مهم وقوع جرم را در محل از آنان کسب نماید مانند دعاوی بک ویت، ماتیسون، بهلر و ... که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

در محکمه متهم به جهت اینکه پلیس با وی مصاحبه داشته نمی‌تواند مدعی گردد که حقوق میراندا به وی تفهیم نشده است و مصاحبه راهکار و راه‌گریزی است برای پلیس تا بتواند از دیوار مستحکم حقوق دفاعی متهم عبور نموده و با کشف جرم متهمین را تحت تعقیب قرار دهد.

پیشنهادها؛

- در خصوص استفاده از حق سکوت توسط متهم نیز چنانچه طی بخشنامه و یا طرق دیگر استفاده از حق سکوت توسط متهم در میزان اعتبار ادله اتهامی وی در دادگاه شرح داده شود از سوءاستفاده‌های احتمالی در آتی از سوی مجرمین خطرناک جلوگیری به عمل خواهد آمد.
- حقوق دفاعی متهمین در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ به‌مانند حقوق میراندا در برگه‌های بازجویی و قبل از هرگونه تحقیق به متهمین ۱. تفهیم ۲. فرم انصراف، از حقوق در صورت رضایت فرد در عدم استفاده از حقوق خود تکمیل و با امضاء یک شاهد که می‌تواند احدی از مأمورین غیر فرد بازجو باشد مورد تأیید قرار گیرد.
- ارزش و جایگاه مصاحبه نزد پلیس طی آیین‌نامه و بخشنامه لازم‌الاجرا تبیین و فرم‌های لازم تهیه و تدوین گردد.

منابع

منابع فارسی:

الف - کتب و جزوات

۱. اردبیلی، محمدعلی، نگهداری تحت نظر، در مجموعه مقالات علوم جنایی، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات چاپ دانش سیاسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶
۳. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، (پنج جلد) ۱۳۹۳، تهران، نشر میزان
۴. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات سمت، چاپ دوم تابستان ۱۳۹۰
۵. بهرام زاده، جاوید، تحقیقات جنایی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول پاییز ۱۳۸۵
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه علم حقوق، تهران، گنج دانش ۱۳۹۳
۷. رضوی، محمد، پلیس و استانداردهای حقوق شهروندی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول زمستان ۱۳۹۱
۸. جعفر آقاخانی، بهزاد سارخانلو، مسئولیت کیفری پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی، انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا چاپ اول ۱۳۹۴
۹. مهدی نجاتی، رضا پرویزی، اصغر شفیعی نیک، تحقیقات جنایی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، چاپ دوم پاییز ۸۱

۱۰. قراگزلو، حمیدرضا، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آیین دادرسی کیفری)، انتشارات مجد، چاپ اول ۱۳۸۹

۱۱. کوین بی کینی، فنون عملی تحقیق و بازجویی، انتشارات دانشکده امام باقر (ع)، چاپ دوم ۱۳۸۷

ب - مقالات:

۱. امیدی، جلیل، دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، مجموعه مقالات علوم جنایی، انتشارات سمت ۸۳

۲. سید حسین حسینی، مجید شایگان فرد، عطا عرفانی فرآیند تحقیقات جنایی و کشف جرم توسط پلیس ایران با نگاهی به حقوق انگلستان و آمریکا، دانش انتظامی خراسان رضوی، مهر ۱۳۹۲

۳. رحمدل، منصور، حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۸۴

۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، هم‌جنسی ساختار پلیس در تعدادی از کشورهای جهان، تیر ۱۳۷۶

۵. مقدسی، محمدباقر، رویکرد تطبیقی به معیارهای ناظر بر بازجویی پلیس، فصل‌نامه ترویجی کارآگاه، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۳

ج- قوانین و مقررات:

۱. آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲

۲. آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸

۳. قانون حفظ حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع مصوب سال ۱۳۸۳

سایت‌های اینترنتی:

<http://www.noormags.ir>.۱

<http://www.magiran.com>.۲

<http://www.america.gov/Persian>.۳

منابع انگلیسی:

۱. miler,linda,the police in the community,wadsworth
publication,۱۹۹۸,۲۰۰۲

۲. swanson,chaies R, criminal investigation,۱۹۹۹

۳. Bennet,wayne,criminal investigation/the ed,۲۰۰۱

۴. kinnee,kevin,practical,investigation techniques,c۱۹۹۴